

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۴۲

نقد آرا و نظریه‌های ادبی استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب

(ص ۳۴۹ - ۳۶۵)

محمدرضا شعبانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پاییز ۹۷

چکیده

استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، ادیب، مورخ، محقق و منتقد و نویسنده بزرگ ادب فارسی قرن حاضر است. در این مقاله ما به اختصار به بررسی بسیار اجمالی نظریه‌های ادبی موجود در آثار استاد بسنده کرده‌ایم. آثار و نظرات ایشان یکی از بهترین معابر شناخت فرهنگ و ادب فارسی ماست. درین مقاله با توجه به وسعت نوشته‌های استاد، آنها را به اقسامی چون: آثار مربوط به نقد ادبی، زندگینامه‌نگاری، عرفان و تصوف و آثار مرتبط با تاریخ ادبیات و مولانا شناسی منقسم کرده‌ایم. قریب به نود درصد نظریه‌های استاد منطبق با تحقیقات روز ادبیست؛ آراء و نظریه‌های استاد زرین‌کوب با قلمی شیوا و هنری، از نظر موضوعی بدیع و مبتکرانه است و نشان از روحیه علمی و مبتنی بر بی‌تعصبی ایشانست.

کلمات کلیدی: عبدالحسین زرین‌کوب، نظریه ادبی، ادب فارسی، عرفان و تصوف و مبتکرانه.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد تهران جنوب (st_mr_shabani@azad.ac.ir)

۱- مقدمه

چنانکه می‌دانیم تاکنون آثار ادبی و تحقیقات گسترده عرفانی و آثار مربوط به نقد ادبی عبدالحسین زرین‌کوب یکجا مورد نقد و تحلیل خاصه نظریه‌های ادبی ایشان از خلال کتابهای پر ارزش استاد استخراج نشده است. از آنجا که یکی از بهترین معابر شناخت ادبیات و عرفان اسلامی - ایرانی ادب فارسی ما بیشک در گرو مطالعه دقیق آثار استادست و از آنجا که تاکنون این آرا و نظریات از خلال نوشته‌های استاد استخراج و بررسی نقادانه قرار نگرفته است. در این مقاله کوشش شده است به اختصاری فشرده بسنده کرده و تنها به شکل اشاره‌وار معرفی و مورد شناسایی قرار گیرند.

به هر حال یکی از مناسبترین و بهترین گذرگاههای شناخت فرهنگ و ادب فارسی کلاسیک ایرانی و عهد اسلامی ما خوانش درست و دریافتن کافی آثار گراندقدر استاد زرین‌کوب است. از آنجا آثار استاد با قلمی شیوا و هنری و در عین حال ممکن است در نظر برخی خوانندگان دشوارگونه به نظر آید و از دیگر سو فهم این آثار از خلال تحقیقات ادبی استاد در گرو درک درست قلم و پژوهش‌های ایشان است ما بر آن شدیم آرا و نظریه‌های ایشان را از تمام کتابهای ادبی، تحقیقات عرفانی و زندگینامه‌های تک نگاشت (مونوگرافی) وی استخراج کرده و به قدر وسع و بضاعت علمی به خوانندگان معرفی نمائیم.

در این مقاله که بسیار مختصر و اغلب اختصاری گونه به معرفی آرا استاد برای نخستین بار اشاره شده آثار ایشان با توجه به وسعت تنوع و گوناگونی موضوعی در زمینه‌هایی چون: نقد ادبی، زندگینامه‌نگاری و تک‌نگاری، عرفان و تصوف و کلام و بررسی ادب کلاسیک ایرانی - اسلامی و نظریه‌های وی در باب ادبیات نوین ایرانی همگی محتاج شناسایی و نقد و بررسی هستند. در این خصوص ما به اجمال توانستیم آن نظریه‌ها را به زعم خود استخراج و استنباط کرده در این تحقیق تمامی آثار وی بجز آثار تاریخی استاد که مجال جداگانه‌یی می‌جوید، مورد شناسایی قرار گرفته، - بررسی و معرفی شده است.

۲- معرفی اجمالی استاد عبدالحسین زرین‌کوب

استاد عبدالحسین زرین‌کوب متولد ۱۳۰۱ خورشیدی در بروجرد چشم به جهان گشود. استعداد ذاتی وی از همان سنین اندک او را به عرصه تفکر و تأمل و مطالعه رهنمون شد. چنانکه مشهود است و در نوشته‌های متعدد از او سخن رفته، زرین‌کوب از شش سالگی به دانستن و مطالعه رغبت بی‌شائبه یافت و مدارج ترقی در ادب و دانش را یکی پس از دیگری طی کرد، کار را با معلّمی و دبیری در خرم‌آباد شروع کرد و سرانجام در هفتادوهفت سالگی

به جهت بیماری قلبی و برخی کسالت‌های طاقت‌گیر، زندگی سرشار از ارزشمند او که جز کتاب و تحقیق با چیز دیگری سروکار نداشت، در شهریور ماه ۱۳۷۸ به پایان خود رسید. زنده‌یاد احمدی‌گیوی بدرستی، زرین‌کوب را «خوشفکر، خوش‌حافظه، خوش‌محضر و خوش‌قلم» خواند. (بصیر مزدهی: ۱۳۸۵، ۴۱) وی ادیب، مورخ، اسلام‌شناس، ایرانشناس، محقق و نویسنده بزرگ معاصر بود. (دهباشی: ۱۳۷۹، ۱۷)، آثار استاد نزدیک به پنجاه جلد کتاب است و قریب به چهار صد مقاله مختلف در عرصه‌های گونه‌گون تحقیقی در ادب، تاریخ، عرفان و نقد ادبی و فرهنگ ایرانی است. به حق باید گفت روح علمی در تمام آثار استاد آمیختگی بخصوصی دارد «کثرت تحقیق و کثرت تألیف» در زرین‌کوب جمع بود و این کاری است که جمع‌کردنش در یک فرد اگر غیرممکن نباشد؛ باری سخت و دشوار است و درباره او پذیرفتنی. (دهباشی: ۱۳۷۶، ۱۶۴) آثار استاد همگی در بردارنده نظرات تازه و بدیع‌گونه است و او همواره در بیان نظریات خود به دیدگاه‌های مستقل دست یافته و به تعبیر عزت‌الله فولادوند با شهامت فکری عقاید و پژوهش‌های ادبی را به نقد می‌کشید. (همان، ۸۶) در یک کلام باید گفت زرین‌کوب بیش از آنچه نوشته، و از خود به یادگار نهاد می‌دانست. باید آثار او را بدقت خواند تا به این خصلت وی پی‌برد. در این صورت آنچه نگاشت هم پربرگ بود و هم پر بار. آثار او موضوعی تکرار نشدنی است. سراسر عمر وی - چنانکه گذشت - صرف تحقیق و مطالعه شد و آنچه هم نوشت به جرأت می‌توان گفت بدان باور و ایمان داشت اینکه او در یک کتاب خود - نقش بر آب - به چنین مطلبی اشاره داشته، مؤید سخن ماست:

«بعد از پنجاه و چهار سال که همچنان در دهلیز مدرسه بیهوده به دنبال آن موسیقی گرم از یاد رفته مرغان گرفتار می‌گردم، این خرسندی را دارم، که می‌توانم در آنچه کرده‌ام و آنچه گفته‌ام در آنچه خوانده‌ام و در آنچه نوشته‌ام ردپای تمام این عمر شصت ساله را نشان جویم. حساب تمام لحظه و دقیقه‌های آن را با دل آسانی و خرسندی برشمردم و از آنچه گفته‌ام و کرده‌ام یا خوانده‌ام و نوشته‌ام خود را هرگز پشیمان و ناخرسند نیابم.» (زرین‌کوب: ۱۳۷۹، ۹۹ - ۹۸)

گرچه استاد فرزندی نداشت اما باید گفت تک‌تک نوشته‌ها و آثار وی در حکم فرزندان او محسوب می‌شوند مگر نه این بود که او با هر نوشته خود حسابی جداگانه داشت؟ پس جای شگفتی نیست که آثار ایشان در حکم فرزندان او باشند. بی‌جهت نبود که به تمام وجود، در این کتاب‌ها آثار وجودی او منعکس است.

زرین‌کوب با نثری سنجیده، زیبا و هنری و با کارنامه‌ای زرین و درخشان و نگاهی عمیق در عرصه تحقیقات ادبی، به شیوه علمی فردی ناشناخته نبوده و نیست. اما نظریه‌ها و آراء ایشان چنانکه باید در عرصه ادب فارسی ما خاصه در دانشگاه‌های ما، چندان پرداخته و باز کاوی نشده است. در این باره ما کوشیده‌ایم به این مهم بپردازیم و این نظریه‌های استاد را به اجمال به خوانندگان عرضه داریم.

۳- معرفی آثار استاد و بیان فشرده نظریه‌های ایشان در هر یک از آثار وی :

۳-۱- آثار مرتبط با نقد ادبی زرین‌کوب

(۱) فلسفه شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری در ایران - که نخستین اثر استاد به سال ۱۳۲۳ شمسی است. زرین‌کوب در این اثر معتقدست اشعار غنایی قدیمترین نوع ادبی محسوب است. (زرین‌کوب: ۱۳۲۳، ۳ و ۲۶) زیرا نخستین تراوش احساسی و عاطفی بشر در حقیقت شعرهای غنایی است، شعرهایی که با رود و چنگ اجرا می‌شد و آن همانا پیش از اشعار حماسی نمود یافته است. (همان، ۲۶)

(۲) ارسطو و فن شعر که در سال ۱۳۳۷ انتشار یافت؛ عمده‌ترین نظر در این اثر ترجمه‌ای استاد در باب کاتارسیس (Catharsis) ارسطوست وی این اصطلاح را نوعی تصفیه انسان از طریق شعر دانسته است با آنکه نظرات بسیار مختلف و گاه متناقض درین باره ارائه شده با این وجود استاد آن را تزکیه ترس و شفقت دانسته (زرین‌کوب: ۱۳۳۷ و ۱۰۵) به زعم او کاتارسیس نوعی تأثیر عاطفی است که افلاطون آنرا تأثیری از زاویه اخلاقی می‌دیده است. به نظر استاد، ارسطو اصطلاح را در برابر این اعتقاد افلاطون قرار داده تا بدین وسیله بکلی آن را از تأثیر اخلاقی و آنچه مد نظر افلاطون است جدا و متمایز نشان دهد.

(۳) شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب - نخستین بار در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید. استاد عنصر عقل را یک ویژگی بنیادی و اصلی شعر دانسته است چیزی که امروزه بجای آن اندیشه شاعرانه یا دایانویا (Dianoia) را به کار می‌برند دیگر آنکه زرین‌کوب معتقدست شعر حتماً نباید از نظر عروضی، تطبیقی میان وزن با مضمون آن داشته باشد. (زرین‌کوب: ۱۳۴۶، ۵۹) به عقیده ایشان با اینهمه گمان اینکه هر مضمون و معنی مناسب با وزنی خاص باشد یک وهم فریبنده بیش نیست و آنچه برخی مشتاقان بدان معتقدند؛ اساس درست ندارد. (همان) شعر و شاعری در ایران پیش از اسلام بمعنی متداول امروزی که بعد از اسلام متداول است در عهد پیش از اسلام وجود قطعی نداشته است

بلکه شعر جنبه شفاهی صرف داشته که با خنیاگری اجرا می‌شده است. (همان ۹۵) ضمن آنکه این اشعار در خدمت سروده دینی و ستایش خسروان بوده است. - قافیه اندیشی در شعر نوین: به زعم استاد بسیاری از اشعار نو جز هذیان نیست ضمن آنکه وی معتقدست اگر شاعر شعر نو به واسطه یک ضرورت روحی باید قافیه را در شعر خود الزام‌آور سازد البته این کار او در خور ملامت و ایرادی نیست اما باز وجودش کاملاً منتفی نیست ضمن آنکه اگر بخواهد وزن را دست و پا گیر شعر خود بداند آیا باز هم مجرد شکستن قالب معنی‌بی دارد؟ (همان ، ۱۰۲) وی اصولاً برآنست اگر بتوان از قافیه صرف‌نظر کرد ، اما نمی‌توان از وزن چشم پوشید . (همان ، ۱۰۵)

(۴) با کاروان حله به سال ۱۳۴۳ انتشار یافت . دو نظریه اساسی در این کتاب بدین قرار است ۱-اینکه آیا رودکی کور مادرزاد بوده است ؟ ۲- شعر انوری ، شعر خطابه است ، تا آنکه مستقیماً مرتبط به فن شعر باشد.

زرین کوب رودکی را ابداً کور مادرزاد ندانسته است. به نظر ایشان ، وجود رنگها و تشبیهات حسی در اشعار رودکی و عاشقی‌ها و دلفریبی‌هایی که در ایام جوانی با دلبران زیبا داشته ، خاصه درخشندگی و روشنی توضیحات در اشعار او آن مایه بوده که وی کورمادرزاد در نظر نیاید . (۱۳۴۳ ، ۵-۱)

(۵) شعر در نزد انوری به عقیده استاد ، این پیامبر ستایشگران اغلب در جلب اقناع مخاطب برای تحریک و تشویق او « به امری که مورد نظر خطیب است » می‌باشد . (همان ، ۱۴۹) درخواست برای مطالبه چیزی و این بیشتر مرتبط با فن خطابه است نه صرف فن شاعری . از این بابت انوری بیشتر شبیه به یک خطیب مزور است تا یک شاعر محض .

۳-۲- آثار زندگینامه‌ای و تک‌نگارانه استاد

(۱) فرار از مدرسه که نخستین چاپ آن به سال ۱۳۵۳ است:

- غزالی و ترک نظامیه بغداد: زرین کوب براین نظرست که علت اساسی ترک نظامیه بغداد از سوی غزالی موجبات سیاسی نداشته ، بلکه به دلیل یک ضرورت روحی و حاجت روانی بوده او می‌بایست رعونت‌های نفسانی را یکبار برای همیشه ترک می‌نمود. و چون بیان غزالی درین باره کاملاً صمیمانه و بالحنی صادقانه است نمی‌توان علت دیگری برایش بیان داشت. در حقیقت ترک بغداد همراه با نوعی تحول فکری صادقانه و انقلاب روحی مبتنی بود. (۲۰۳)

۲) از کوچۀ رندان که چاپ اوّل آن به سال ۱۳۴۹ است:

- نظر زرین‌کوب درباره‌ی تضمین نخستین غزل حافظ: به نظر استاد آنچه بیت مّلمع را در نظر دیگران به هیاهو واداشته است موضوع خمّری آن، خاصه در بیت عربی آن است بلکه تضمین آن مطابق آنچه به اشتباه آنرا به یزید خلیفه منفور اموی نسبت داده‌اند، می‌باشد. حال آنکه استاد قزوینی این انتساب را بکلی مردود دانسته است. عامل این انتساب به زعم قزوینی (۱۳۶۳ - ۸ - ۱۰۷) از سوی شارح ترکی بر حافظ - سوری - است. به عقیده‌ی استاد زرین‌کوب، آنچه برای حافظ اهمیت داشت نفس تضمین نبوده، بلکه موضوع تضمین است - وصف خمّر - و این همانا بخشی است که مد نظر شاعر رند بوده و او می‌خواسته این موضوع را در شعرش وارد سازد.
- باده و شراب حافظ در نظر استاد: استاد اشعار حافظ را قابل برداشت به اشکال مختلف و حتی قابلیت اضداد یافتگی دانسته است به زعم او «هنوز که می‌داند وقتی وی از عشق و شراب صحبت میکند مقصودش چیست و مستی اهل رازست یا شراب و شاهد شیراز؟ در شعر او همه چیز رنگ ابهام دارد و رنگ اسرار. (۱۳۷۹ - یازده) بنابراین به هیچ روی نوع این باده را ابدأ مشخص نمیکنند ضمن آنکه نه شراب انگوری را نفی کرده و نه حالت تصعید یافته عرفانی گونه‌اش. بدین وسیله استاد خود را در مشاجرات کلامی بیحاصل نمی‌افکند و این نظر قاطع استاد درین باره است.
- خطا بر قلم صنع:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت
آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

بیت جنجال‌آمیز معروفی است که نظر مستقل استاد درین باره به اختصار چنین است وی معتقدست به هر شکل که بیت نامبرده را تقریر کنیم، شعر متضمن نوعی خطاپوشی است. (۱۳۷۹ - ۱۰۵) «آیا دنیا بکلی از عیب و شر خالی است؟ البته خیر. چون وجودی که بکلی از عیب و شر خالی باشد با آنچه خالق و مبدع عالم است قابل التباس خواهد بود. حافظ هم در رؤیای بیخودی دنیا را می‌تواند غرق در کمال و زیبائی بیابد وقتی دنیای خودی را در حال تجسّم می‌یابد از این رؤیا بیرون می‌آید و شر و نقصی را که در عالم هست نمی‌تواند انکار کند.» (۱۳۷۹ - ۱۴۰) با این توضیح که این خطای در عالم که نوعی مقدمه نقص امکانی برای رسیدن به استکمال ذاتی موجودات است؛ در حقیقت به تعبیر زرین‌کوب از مقوله خطا نیست، بلکه از مقوله عمد است. (همان، ۱۱۶،

- ۳) دیدار با کعبهٔ جان که نخستین بار به سال ۱۳۷۷ انتشار یافت:
- ماجرای عقدهٔ حقارت: زرین‌کوب اصولاً رفتار و اخلاق شاعر شروان را از جهت تحقیری که نسبت به دیگران داشته، خاصه خودبینی خاقانی در ارتباط با مخاطبان تعبیر نوعی بیماری روحی «عقدهٔ حقارت» (Inferiority Complex) خوانده است. (۱۳۷۹، ۱۴-۱۳) باید گفت «از سرگذشت جوانی او، و از داستان خانواده و محیط و شهر و دیار او آنچه معلوم است این اندیشه را در خاطر می‌نشانند که وی از چنین عقیده‌یی خالی نبوده است.» (همان، ۱۴-۱۳) چنین شاعری با کمترین تحریک به هیجان و یا نفرت آمده و از اندک ناملاپتمی زبان به شکوه می‌گشاید.
 - ممدوح مورد نظر خاقانی در قصیدهٔ ترسائیه: زرین‌کوب ممدوح قصیدهٔ مزبور را چنانکه مینورسکی، آنرا آندرونیکوس کومنه‌نوس دانسته، نپذیرفته است گرچه ایشان در این باره به یقین نام ممدوح را بیان نداشته اما طبق تحقیقات اخیر خاقانی پژوهان با احتمال بسیار شاید ممدوح همان باقر قزاقی باشد. (۱۳۷۴-۴۲۱ و نیز ۴۲۷ و ۴۷۹) با اینهمه برخی به این ممدوح هم مشکوکند و این نشاندهندهٔ آن است که اگر زرین‌کوب دقیقاً نام آنرا مشخص نکرده تا اندازه‌ای حق داشته است.
 - خاقانی و شیوه سبکی او در نظر استاد: استاد با گفتهٔ یان‌ریپکا که سبک شاعری خاقانی را سبک آذربایجانی خوانده است مخالفت کرده و معتقدست بهترست سبک شاعر شروان را با عنوان شاعران اران یا ماوراء ارس بخوانیم. او سبک آذربایجانی را شایستهٔ کار «علمی‌وار» ندانسته است.
- ۴) نامورنامه که چاپ نخست آن به سال ۱۳۸۱ انتشار یافت:
- برتری شاهنامه بر ایلیداهومر: استاد از حیث تنوع و عظمت حماسی، شاهنامه را بر ایلیداهومر برتری داده است. زیرا در شاهنامه هم شگفت‌انگیزی بیشترست و هم حقایق زندگی بی‌پرده‌تر از ایلیداهومر بیان شده است. (۱۳۸۱، ۱۵-۱۴) در مجموع استاد شاهنامه را به دلایل مختلف بر ایلیداهومر دانسته است و جای آن نیز هست.
 - نام حقیقی فردوسی: در این باره استاد از آنجا که خاندان فردوسی را چندان شناخته شده ندانسته و حتی معتقدست «خاندان با او آغاز شد و هم با او به پایان رسید.» (۱۳۸۱-۳۸) ایشان دریافتن اسم و عنوان فردوسی تا حدی به بلانتیجگی رسیده است. درین باره محمد محیط طباطبائی به قطعیت بیشتری رسیده بر اساس تحقیق

طباطبائی نام پدر شاعر، حسن است و نام اصلی شاعر توس «ابوالقاسم منصوربن حسن فردوسی» است. (۱۳۶۹ - ۲۸)

- فردوسی و زبان پهلوی: استاد اصولاً معتقدست فردوسی زبان پهلوی می‌دانسته است؛ به نظر او «بعید به نظر می‌آید که از پهلوی و پهلوی‌دانی فقط لاف‌زده باشد - بی‌حقیقت». (۱۳۸۱، ۱۱۳) پیداست او از لفظ پهلوی تنها در معنی زبان پهلوی استنباط نموده است. حال آنکه برخی دیگر از محققان نظیر ملک‌الشعرای بهار برآنند که فردوسی زبان پهلوی نمی‌دانسته و مراد از لفظ پهلوی به زعم بهار، زبان موجود در خراسان یعنی زبان دری بوده نه زبان پهلوی. (۱۳۷۹، ۱۳) بنابراین به احتمال قوی فردوسی زبان پهلوی نمی‌دانسته و این با قراین موجود در شاهنامه بیشتر همخوانی داشته و دارد.

- رستم از منظر دینامیسم تاریخی زرین‌کوب در شاهنامه: در یک گفتگوی فرضی میان رستم و فردوسی، استاد خاطرنشان ساخته که رستم نماد هویت و شرف و حیثیت تاریخی حماسه فردوسی است. این رستم همه دوران است. تنها رستم شاهنامه نیست. «در دوره‌های دیگر سلاح‌های دیگر داشته‌ام حتی زبان و قلم ... اما کدام دوره بود که من ایرانیان را در پیکاری که با انیران، با اهریمن و دروج داشته‌اند؛ یاری نکرده‌ام (زرین‌کوب ۱۳۶۲، ۴۱۳) این همان نظریه دینامیسم تاریخی زرین‌کوب پیرامون رستم است. این رستم گاهی کاوه میشود گاهی هم بعد از اتمام شاهنامه در کسوت ابومسلم ظهور می‌یابد. حتی در لباس یک شاعر و یا یک پادشاه ظاهر میشود. (همان، ۴۱۶) این رستم، فردوسی هم هست. و در عصر ما به زعم استاد میتواند یک مورخ باشد. آیا این مورخ مقصود امثال زرین‌کوب نیست؟

۵) حدیث خوش سعدی که در سال ۱۳۷۹ انتشار یافت:

- سفرهای سعدی و میزان واقعیت‌پذیری آنها در نظر زرین‌کوب: آیا سفرهای سعدی در گلستان جنبه واقعی داشته و اصولاً تمام سفرهای او یکسره رنگی از واقعیت دارد؟ زرین‌کوب تمامی سفرهای او را بیکسان واقعی نپنداشته است؛ زیرا به زعم ایشان مهم واقعیت آنها نیست بلکه نفس تنبّه و قصه‌پردازی آنهاست. خاصه آنکه او برآنست سفرهای او به خراسان، بلخ بامیان و هند و کاشغر واقعی نیست، زیرا سعدی در هیچ جا از نشابور، طوس، مرو و هرات در خلال اشعارش یادی به میان نیاورده است سفرهای شاعر شیراز بیشتر به مناطق عرب‌نشین بوده که بعد از اتمام تحصیل در نظامیه به خاطر شغل واعظی و جنبه تعلیمی بدانجا رفته است.

- مدح داغ ننگ: از موضوعات مناقشه‌انگیز سعدی پژوهی بحث قصاید او و اینکه آیا او در این قصاید شاعر مداح است یا آنکه هدف شاعر جز این بوده است؟ به زعم زرین‌کوب قصاید سعدی مخصوص مدح و مدیح نبوده است اصولاً سعدی شاعر درباری نبوده است و قصاید او وسیله‌ای جهت تنبیه حاکمان و اتابکان عصر خود بوده و او بدین وسیله ایشان را به عدالت‌گستری و خدمت به مصالح مردم رهنمون می‌شده است و هر جا در قصایدش سخنی رانده تنها به منظور انتقاد و تأملات او از قضایای عصری و پند و اندرز به زمامداران و حاکمان بوده است.

- ماجرای تناقض‌گویی در دنیای گلستان سعدی: زرین‌کوب چه در با کاروان حله و چه در حدیث خوش سعدی، وجود تناقض را نه در افکار و جهان سعدی دانسته، بلکه آنرا در اجتماع عصری شاعر سراغ داده است. (۱۳۴۳، ۲۳۵ و نیز ۱۳۸۱، ۸۵) عمده‌ترین دلیل استاد اینست که ما چنین تناقضی را نه در غزلیات شاعر و نه حتی در بوستان و قصایدش مشاهده می‌کنیم.

(۶) صدای بال سیمرغ که چاپ نخست آن مربوط به سال ۱۳۷۸ است:

- زرین‌کوب و مختارنامه عطار: استاد مختارنامه عطار را از آثار مسلم عطار ندانسته و در صحت اصالت رباعیات آن مشکوک است. «می‌دانم نسخه‌هایی قدیم ازین کتاب باقی است و ردّ انتساب آنها آسان نیست.» (۱۳۷۸، ۱۳) گویا زرین‌کوب در این باره خود یقین قطعی نداشته، خاصه آنکه آیا یک شاعر عارف نظیر عطار در تمام لحظات و خلوت‌های فکری همواره یک عارف تمام عیارست یا آنکه ممکن است لحظاتی هر چند اندک و گذرا به اندیشه‌هایی جز عرفان هم بیاویزد؟ عطار در موضوعات عرفانی، خیامی و عاشقانه رباعیات سروده است. بنابراین هیچ مانعی نداشته که او در مضامین مختلف رباعی سروده باشد. از این جهت تشکیک استاد تا اندازه‌ای منتفی است و بنابه عقیده شفیع کدکنی اکثر این رباعیها، از آن عطارست. (شفیعی کدکنی: ۱۳۷۵، ۸ و نیز ۱۵)

- زادگاه عطار - آیا عطار کدکنی بوده است: زرین‌کوب عطار را اهل شادیاخ پنداشته نه کدکن، (زرین‌کوب: ۱۳۷۸، ۱۴ و نیز ۲۳، ۲۸، ۳۱) زیرا به زعم استاد، عوفی در تذکره لباب‌الالباب هیچ ذکری از کدکنی بودن عطار نکرده (همان، ۱۸۱) و تنها دولت‌شاه او را کدکنی دانسته است. اما شفیع کدکنی بنابه نقل صاحب تاریخ نیشابور،

نیشابور را به چهار ربع منقسم دانسته و یک جزء آن کدکن است که جزء شامات نیشابور بوده است.

- تحلیل رمزی داستان شیخ صنعان در نظر زرین‌کوب: زرین‌کوب، داستان شیخ‌صنعان را یک داستان رمزی پنداشته و آن را سرگذشت روح پاکی خوانده که از دنیای جان به عالم ماده می‌آید و در آنجا گرفتار دام تعلقات شده است. (زرین‌کوب: ۱۳۴۳، ۱۹۸، ۱۳۶۲، ۱۷۵) نگرش استاد در این باره مبتنی بر نوع نگرش نوافلاطونی است حال آنکه بعید است عطار داستان را با این طرز نگرش دیده باشد. محور اصلی داستان «عشق» است چون شیخ تا پیش از دیدن دختر ترسا، عشقی نداشت نقص شیخ در نداشتن عشق بود گرچه او تمام اعمال دینی و مناسک را انجام داده بود اما عاشق نبود. بنابراین تفسیر و تحلیل استاد در این باره بنظر میرسد با فلسفه وجودی داستان منطبق نباشد. (۷) پیرگنجه در جستجوی ناکجاآباد در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسید.

- نظامی گنجه‌ای در جستجوی شهر نیکان: نه تنها در اسکندرنامه آخرین پنج‌گنج خود به دنبال چنین شهری است بلکه به نظر زرین‌کوب، او از همان نخستین مثنوی خود مخزن الاسرار تا به آخرین تنها بدنبال چنین شهری آرمانی است. نظامی هر آنچه می‌سرود حتی اگر از عشق هم سخن راند نقشی از آرمان و آرزوی شاعر برای ترسیم یک جهان بدون جنگ، بدون استبداد، بدون جهالت، جُهال رقم می‌زد و این یک وجههٔ مسلم جهان‌بینی هنرمندانه و فیلسوفانهٔ شاعر گنجه است. او جستجوی شهر نیکان را تنها به دلیل استقرار عدالت و عدل‌گستری می‌خواست (زرین‌کوب: ۱۳۸۰، ۲۸۶) و این نظر تازه و مبتکرانه استاد است زیرا تا پیش از استاد اغلب این شهر نیکان را تنها در اسکندرنامه شاعر گنجه جستجو می‌کردند؛ حال آنکه استاد آنرا در تمام مثنویهای شاعر جستجو کرده است.

(۸) شعلهٔ طور در سال ۱۳۷۷ انتشار یافت.

- شهادت حلاج: استاد علت اساسی شهادت حلاج را نه به جهت اتهام قرمطی بودن به وی خوانده است. (زرین‌کوب: ۱۳۶۹، ۱۴۳ و ۱۴۹) بلکه در هویدا ساختن اسرار دانسته، (زرین‌کوب: ۱۳۷۷، ۱۱۱) به زعم وی طریقه حلاج، عارفانه و شهودی بود تا یک انقلابی صرف نظیر فرقه‌های مخالف دستگاه خلافت، زیرا همگی این فرقه‌ها خواه ناخواه در پی خشونت بودند و البته خشونت خلاف شیوه حلاج بود در حالیکه او تنها راه نجات خلق عام را در «عشق» می‌جست. (همان، ۱۲۱ - ۱۲۰)

۳-۳- تحقیقات مربوط به عرفان و تصوف عبدالحسین زرین‌کوب

- (۱) ارزش میراث صوفیه - نخستین بار به سال ۱۳۴۲ انتشار یافت .
- قلندریه در نظر زرین‌کوب: وی قلندریه را صورت تازه‌ای از ملامتیه خوانده است . (زرین‌کوب : ۱۳۷۷ ، ۸۶) ضمن آنکه نقدی هم به یک ایده ابوالعلاء عفیفی داشته (همان ، ۸۹) شفیعی کدکنی نیز اصولاً منشأ فکر قلندریه را از آئین‌های ایرانی پیش از اسلام نظیر مجوسی و مانوی گرفته (۱۳۸۶ ، ۱۳) اندیشه‌هایی از گنوسیسم و عرفان اسلامی دانسته با اینهمه‌گویی نظر ابوالعلاء عفیفی تا اندازه‌ای از آنچه زرین‌کوب با آن مخالفت نشان داده ، درست تر است.
- کهن‌ترین اشعار صوفیانه: بنا به اظهار زرین‌کوب به نظر استاد نخستین اشعار صوفیانه فارسی مقارن عهد ابوسعید ابوالخیرست . به زعم ایشان قدیم‌ترین اشعار صوفیانه مربوط به قرن پنجم هجری است . (زرین‌کوب : ۱۳۷۷ ، ۱۴۱) شفیعی کدکنی بعدها در تحقیق خود درین باره بدین نتیجه رسید که قدیم‌ترین اشعار از ایندست از آن ابوذر بوزجانی است . (شفیعی کدکنی : ۱۳۷۶ ، ۴۳۱) وی قطعه شعری از او نقل کرده که در صورت پذیرفتن آن می‌توان دانست که او پیش از ابوسعید شایسته نخستین شاعر صوفیه در خراسان است.
- (۲) جستجو در تصوف ایران چاپ اول آن در سال ۱۳۵۷ است .
- آثار منثور فارسی خواجه عبدالله انصاری صوفی سخت‌گیر حنبلی: استاد از آثار قطعی و یا منسوب خواجه انصاری سخنی بمیان نیاورده است . زرین‌کوب در باب این آثار خواجه با یقین و اطمینان سخن نرانده است . بعدها شفیعی کدکنی و محمدجواد شریعت با قطعیت افزونتر اغلب آثار خواجه هرات را همگی مجعول و منحول دانسته ، حتی آثار شعری او را از او ندانسته‌اند . زیرا تمامی نسخ این آثار مربوط به قرن دهم به بعدست . (شریعت : ۱۳۶۹ ، ۷۳ و نیز شفیعی کدکنی : ۱۳۷۱ ، چهل و دو و چهل .)
- اهل فتوت و تصوف عامیانه و ملامتیه در نظر زرین‌کوب: وی نهضت ملامتیه را یک واکنش برضد تصوف متشرعانه اهل صحو دانسته است . (زرین‌کوب : ۱۳۶۹ ، ۳۳۵) به زعم استاد ملامتیه از جهاتی همان رفتار حکمای کلبی یا رواقی را خاطر نشان می‌سازد . (همان ، ۳۲۷) ملامتیه در این عقیده ، جدای از تصوف رسمی و مرسوم شناخته شده است چون ملامتیه نه اهل تصنیف بودند و اهل خودنمایی نیز نبودند .

این فرقه در حقیقت فرقه‌ای اصلاح طلبانه در برابر کرامات‌نمایی اهل تصوف بوده است. این نظر استاد در نوع خود تازه و مبتکرانه است.

(۳) دنباله جستجو در تصوف ایران در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسید.

- شیخ حسن بلغاری و طریقه نقشبندیّه: استاد، شیخ حسن بلغاری را جزء فرقه تصوف نقشبندیّه دانسته است. (زرین کوب: ۱۳۷۶، ۱۱۵) در این باره صدموحد نظری خلاف این نظر استاد داشته و نشان داده است ضمن آنکه موحد معتقدست این شیخ بلغاری یکی از مریدان خاص شمس تبریزی نیز بوده است. (موحد، ۱۳۹۲، ۱۷۳، ۶ - ۱۷۵) به نظر موحد، شیخ حسن با نقشبندیّه مراوده داشته ولی ابداً نام او در فهرست اشخاص طریقه نقشبندیّه نبوده است. (همان، ۱۷۷)

- به نظر زرین کوب تصوف نظیر دیگر پدیده‌های انسانی در سیر تاریخ دچار تغییر و تحولاتی می‌شود و همواره در یک شکل ثابت و بی‌تغییر باقی نخواهد ماند. چنانکه انحطاط این طریقه از قرن نهم آغاز شد و در عهد صفویه نیز به عوام‌زدگی دچار شد - شعر و ادب صفویه در نظر استاد: به عقیده استاد برخی تصور دارند خط سیر و ادب در عهد صفویه مورد تضییق واقع شد؛ این تصور فکری چندان درست نیست جریان شعر و ادب ابداً از سیر خود بازنایستاد، شعر این عهد به گرایش‌های عصری خود تمایل یافت. یعنی مصادیق آن تا اندازه‌ای عوض شد اما از حرکت تدریجی خود متوقف نماند. از آنجا که تشیع در این دوران ادب فارسی عموماً در طریق مذهب اهل تسنن بوده است تا تشیع.

(۴) تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسید: این اثر استاد در اصل به زبان انگلیسی نگاشته و آن مربوط به سال (۴۹ - ۱۳۴۸) است و عنوان انگلیسی آن چنین است: *Persian Sufism in the Historical Perspective (1970)* عقاید و نظریه‌های اصلی استاد درین باره در کتب ارزش میراث صوفیه و جستجو در تصوف ایران و دنباله آن است بدین خاطر این اثر استاد بیشتر برای خارجیان نگاشته شده، از این بابت حاوی نظریه‌پردازی نیست.

۳-۴- تحقیقات مربوط به تاریخ ادبیات

(۱) سیری در شعر فارسی - چاپ نخست آن مربوط به ۱۳۶۳ است.

- اولین شعر در زبان پارسی: به زعم ایشان در تاریخ هیچ قومی نیز نمی‌توان اول کسی را که زبان به شعر و شاعری گشود؛ تعیین کرد. (زرین کوب: ۱۳۶۳، ۱) بدین خاطر

یافتن نخستین سخنگوی و شاعر را در هیچیک از زبانهای جهان نمی‌توان مشخص کرد . این نظر مسلّم استاد درین باره است.

- عهد شاهرخ و مقدمات خروج شعر از چهاردیوار دستگاه ملوک و وزراء: به نظر استاد شعر فارسی پیش از فرارسیدن دوران صفویه توانست از چارسوی قبل خود به سوی بازارها و مجالس محترفه روی آورد و این عهد شاهرخ تیموری بود . قصاید از رونق افتاد و تنها به شکل غزل جلوه یافت . بدین واسطه سبک عراقی جای خود را به شیوه تازه وانهاد. (همان ، ۱۰۱) شعر از فضای مدرسه وارد به ساحت عوام خلق شد. (همان ، ۱۰۲ -

۱۰۱) و شعر پس از این به سمت و سوی نوعی مکتب واقعگرایی روانه شد - ادب دوره بازگشت در تحلیل نظری زرین‌کوب: دوره بازگشت ادبی در نظر زرین‌کوب در واقع نوعی « بهشت گمشده » تلقی میشد بازگشت به پیش از عهد سبک هندی یک انعکاس قهرگونه به ادب عهد صفوی و یافتن آرزوهای خود در دوران گذشته و سنتی پیش از سبک هندی است.

(۲) از گذشته ادبی چاپ نخستین آن در سال ۱۳۷۵ است.

- نثر و تعبیر ادبی در نظر زرین‌کوب: به زعم استاد نثر تا زمانی که متضمن یک تعبیر ادبی (Literary Expression) نباشد ، درمقابل شعر قرار نمی‌گیرد . (زرین‌کوب : ۱۳۷۵ ، ۱۳) چنین نثری واسط میان شعر و نثر ادبی است . ویژگی‌هایی چون لطف و جاذبه و نداشتن صفت تصنع و افراط در تصویرپردازی و رعایت اعتدال از عمده مختصات چنین نثری است . اینچنین نثری نه شعرست و نه یک نثر معمولی و عادی که حاوی هیچ زیبایی خاصی هم نیست .

- زرین‌کوب و ادب معاصر - شعرنو و نثر نوین فارسی: زرین‌کوب طلایه‌دار شعر نو را نیما و نثر نوین فارسی را هدایت دانسته ، و معتقدست این هر دو بیشتر بجای آنکه سنت ادبی گذشته را محفوظ نگهدارند در براندازی آن کوشیدند با اینحال ایشان ادب معاصر را در ادامه ادب سنتی گذشته دانسته است . (همان ، ۵) به زعم استاد « معهدا این مکتب چون برخلاف مکتب‌هایی که با سنت همسویی داشتند ، سیر می‌کرد در واقع دایم در جستجو بود آنچه را نمی‌خواست می‌دانست اما آنچه را می‌خواست بدرستی نمی‌دانست ... » (همان ، ۵ - ۵۵۴) او بتمامه شعر نو را نفی نمیکند اما معتقدست نباید این نوع شعر را یکسره از ادب گذشته فارسی قطع رابطه کند و باید با آن پیوندی جاندار داشته باشد . به زعم استاد برای تثبیت شعر نو ، نباید شعر خوب و عالی سنتی

را یکسره منکوب ساخت و بدان بی‌مهری کرد. در یک کلام وجود یکی نباید منجر به نفی آن دیگری شود. (همان، ۵۶۵)

۳-۵- تحقیقات پیرامون مولانا شناسی استاد.

(۱) سرنی دو جلدی که نخستین بار به سال ۱۳۶۲ انتشار یافت.

- بلاغت منبری مولانا و بررسی عامل برتری مولوی نسبت به اخلاف خود سنایی و عطار: در این بخش استاد معتقدست علت اصلی تفوق مولانا بر اخلاف خود سنایی و عطار، دلایل سنتی و پذیرفته معمول نبوده و نیست، بلکه دلیل اساسی آن در موضوع « بلاغت منبری » است و ارتباط آن با شیوه مرسوم خانوادگی او خاصه نزد پدرش می‌باشد. او پیش از اتصال و ملاقات با شمس، اهل وعظ و تذکیر بوده، خاصه آنکه این شیوه او مأخوذ از طریقه پدر و جدّ او حسین خطیبی است و این عامل اساسی برتری اشعار او از آندو یعنی عطار و سنائی است. (زرین‌کوب: ۱۳۷۹، ۱۲۴)

- ساختار مثنوی یا بررسی هندسه ذهنی مولانا در سرایش مثنوی: به نظر استاد مثنوی نظیر دیگر آثار شعری و مثنویهای دیگر دارای طرحی از پیش پرداخته نیست. مثنوی دارای یک تمامیت و وحدت انسجامی با ظاهر پراکندگی و عدم انسجام قصه‌ها و روایات ظاهری است. اصولاً استاد بر آنست که مثنوی در ساختارش دارای نوعی طرح جامعیت و انسجام درونی است. زیرا مولانا اصل و تمامیت مثنوی را در « نی‌نامه » گنجانده است. ساختار مثنوی مرهون وحدت و کلیت درونی آن است.

آغاز مثنوی همچون پایان آن در یک ارتباط انسجامی و درونی است. وی اصولاً سه ویژگی عمده مثنوی را کشف وحدت، جامعیت و تمامیت آن دانسته است. (همان، ۲۶۸)

(۲) بحر در کوزه که نخستین چاپ آن سال ۱۳۶۶ است.

- قصه‌های مستهجن در مثنوی و بررسی آسیب‌شناسی آن در نظر استاد: بیشک در نظر زرین‌کوب قصه‌های زشت و آنچه به اعمال و اعضای پنهانی مربوط است، در مثنوی یک نقطه ضعف محسوب است و از دیدگاه عفت و اخلاق قابل انتقاد است. (زرین‌کوب: ۱۳۷۳، ۳۹۷) زرین‌کوب با اینهمه وجود این قبیل قصه‌ها را - بجز آنکه آنرا اصولاً قابل دفاع حتمی ندانسته است - در علت‌هایی اساسی چون وجود مجلس یاران و سنت شعری عصر خراسان که البته بیانگر تعلیم است نه قباح و مجرد رکاکت لفظ، حتی بیانگر قباح هم هست. این قصه‌ها در بردارنده نوعی طنز و تسخر بر جامعه خانقاهی

عصر هم محسوب است و این جماعت و اخلاق آنان را به باد انتقاد نیز گرفته است ضمن آنکه استاد برآنست این طرز قصه‌گویی تا حدی جوابگوی یک حاجت روانی نیز بوده است و آن وسیله‌یی برای رفع ملال بوده است. با اینهمه هزل مولانا هزل لایبالی نیست ، تعلیم است.

- بررسی داستان قلعه ذات الصور و ارتباط کلیت‌گرایی آن با نی‌نامه: به نظر استاد آخرین داستان مثنوی به شکلی عامدانه ناتمام ، تمام شده است و از آنجا که یک مضمون اصلی داستان سیر و سلوک و رهایی از خودی است و این سیر و سلوک موقوف به هدایت پیر و مرشدی راهدان است پس آخرین داستان خود بخود به نخستین داستان مثنوی مرتبط می‌شود . در این شکل پایان مثنوی به آغاز آن در یک ارتباط انسجام‌گونه متصل می‌شود . (همان ، ۴۵۳) پس مثنوی نباید با داستانی خاتمه یابد که پایانی داشته باشد. طریقت ، موضوعی پایان یافته نیست . این نظر قطعی استادست که بدیع و مبتکرانه طرح و تبیین شده است.

(۳) پله پله تا ملاقات خدا ، که نخستین چاپ آن در سال ۱۳۷۰ است .

- شکایت مولانا از جدایی‌ها در نظر زرین‌کوب: به زعم استاد تمام نی‌نامه مولانا ماجرای تهی شدن انسان از خودی‌های اوست و بازگشت به اصل خویش . (زرین‌کوب : ۱۳۸۰ ، ۲۲۲-۲۲۱) خاصه آنکه حکایت روحی است دردمند که از دنیای قیل و قال ، مدرسه و مسند تدریس را رها کرده و طوفان یک عشق بی‌مانند به شمس تبریزی را در پس پشت نهاده است. (زرین‌کوب : ۱۳۴۳ ، ۲۰۷ - ۲۰۵) این نگرش به نی‌نامه دیگر آن حالت انتزاعی که در آسمان فکر و ذهنی‌گرایی برخی مفسران رایج است ، ندارد بلکه با زندگی واقعی عارف خراسان کاملاً مرتبط است . این جدائی موضوعی صرفاً افلاطون انگارانه و انتزاعی گونه نداشته در حقیقت بیان خاطرات بلخ و دوران کودکی مولانای بلخ است ، حتی فقدان واقعی سید برهان محقق ترمذی در خاطر پرهیجان مولانا وجود همیشگی داشته است .

(۴) از نی‌نامه که نخستین بار به سال ۱۳۷۷ انتشار یافت: از آنجا که برای دانشجویان و نسل جوان و علاقمندان به مثنوی نگاشته شده طبیعی است حاوی نظرات تازه‌ای نسبت بدانچه در آثار مولوی شناسی وی مطرح است ؛ نباشد.

۵) نردبان شکسته که نخستین چاپ آن به سال ۱۳۸۳ است .
 - نگاه کلیت‌گرایی زرین‌کوب به مثنوی - نگاهی خطی و بهم پیوسته: زرین‌کوب تمام داستانها را مرتبط به هم دیده و چون به نظر او هیچیک از حکایات مثنوی موضوعی منحرف‌وار نبوده و همگی در ارتباط با تنه اصلی داستانهاست ؛ طبیعی است ؛ وی نوعی کلیت‌گرایی در نگارش به مثنوی داشته است . به عنوان نمونه ماجرای شیر با نخجیران مرتبط با « نی‌نامه » آغازین مثنوی است ؛ یعنی لزوم تهی شدن از خودی که پیام راستین مثنوی در تمام آن است . (زرین‌کوب : ۱۳۸۳ ، ۱۲۶)
 - تمهیدی به دفتر دوم مثنوی (بررسی مختصر علت تأخیر دفتر دوم مثنوی): زرین‌کوب اصولاً داستانهای دفتر دوم مثنوی را بی‌ارتباط با لزوم داشتن پیر مرشد و بدون راهنما نمی‌داند ؛ پیام راستین این داستانها لزوم دستگیری پیرمرشد و راهدان است . ضمن آنکه در آن وجوب خالی شدن و تهی گشتن از خودیهای انسان و سالک مطرح است . زرین‌کوب ارتباط این داستانها را با ترک دو سالانه حسام‌الدین چلپی به جهت فوت همسر وی دخیل ندانسته و بدان اشاره‌ای نداشته است. با اینهمه برخی گمان دارند که علت تأخیر دفتر دوم صرفاً فوت همسر حسام‌الدین نبوده است بلکه پیوستن حسام به خانقاه یا شیخی مرشد جز مولانا بوده است. در این باره شمیسا چنین دیدگاهی داشته (شمیسا : ۱۳۸۴ ، ۶۶۱) اشاره ضمنی مولانا به مصرع « چون به معراج حقایق رفته بود . » بیانگر این موضوع است ، که دفتر دوم مجرد فوت همسر حسام‌الدین نبوده است.

منابع و مأخذ

- ۱- بصیر مؤدهی ، سامیه (۱۳۸۴) . آفتاب معرفت ، تهران : امیرکبیر .
- ۲- دهباشی ، علی (۱۳۷۹) . کارنامه زرین‌یادی از استاد عبدالحسین زرین‌کوب ، تهران : دفتر پژوهشهای فرهنگی
- ۳- یادگارنامه استاد عبدالحسین زرین‌کوب ، تهران : انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (۱۳۷۶)
- ۴- (۱۳۲۳) ، فلسفه شعر یا تاریخ تطوّر شعر و شاعری در ایران : بروجرد ، لایوان .
- ۵- (۱۳۸۱) . ارسطو و فن شعر ، تهران : امیرکبیر .
- ۶- (۱۳۸۱) شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب ، تهران : سخن .
- ۷- (۱۳۴۳) با کاروان حله ، تهران : آریا .
- ۸- (۱۳۶۹) ، فرار از مدرسه ، تهران : امیرکبیر .

- ۹- (۱۳۷۹) از کوچۀ رندان، تهران: سخن.
- ۱۰- (۱۳۷۹) دیدار با کعبه جان، تهران: سخن.
- ۱۱- (۱۳۸۱) نامورنامه، تهران: سخن.
- ۱۲- (۱۳۶۲) یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، تهران: جاوید.
- ۱۳- (۱۳۷۹) حدیث خوش سعدی، تهران: سخن.
- ۱۴- (۱۳۷۸) صدای بال سیمرغ، تهران: سخن.
- ۱۵- (۱۳۷۷) شعله طور، تهران: سخن.
- ۱۶- (۱۳۷۷) ارزش میراث صوفیه، تهران: امیرکبیر.
- ۱۷- (۱۳۶۹) جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- (۱۳۷۶) دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۱۹- (۱۳۶۳) سیری در شعر فارسی، تهران: نوین.
- ۲۰- (۱۳۷۵) از گذشته ادبی ایران، تهران: الهدی.
- ۲۱- (۱۳۷۹) ستر نی، تهران: علمی.
- ۲۲- (۱۳۷۳) بحر در کوزه، تهران: علمی.
- ۲۳- (۱۳۸۰) پله پله تا ملاقات خدا، تهران: علمی.
- ۲۴- (۱۳۷۷) از نی‌نامه، تهران: سخن.
- ۲۵- (۱۳۸۲) نردبان شکسته، تهران: سخن.
- ۲۶- (۱۳۸۰) پیرگنجه در جستجوی ناکجاآباد، تهران: سخن.
- ۲۷- (۱۳۸۳) تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران: سخن.
- ۲۸- اقبال، علس و پورلوود، ابراهیم (۱۳۶۳) دوره کامل بیست مقاله قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- ۲۹- کندلی هریسچی، غفار (۱۳۷۴). خاقانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۰- محیط طباطبائی، محمد (۱۳۶۹). فردوسی و شاهنامه، تهران: امیرکبیر.
- ۳۱- گلبن، محمد (۱۳۷۹) فردوسی نامه ملک الشعراء بهار، تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، مختارنامه عطارنیشابوری، تهران: سخن.
- ۳۳- (۱۳۷۱) اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید ابی‌الخیر، تهران: آگاه.
- ۳۴- موحد، صمد (۱۳۹۲) سیری در تصوف آذربایجان، تهران: طهوری.
- ۳۵- دین لوئیس. فرانکلین (۱۳۸۴). مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب، حسن لاهوتی، تهران: نشر نلمک.